

حسین سعادت نوری، انتشارات نوره چاپ اول، تهران (BNS) (BNS) مجموعه اشعار و دانش نامه میرزا
 ۲۷- استخری، ص ۱۹۵ و سورة الارض، ص ۱۵۵ (Dns) و سحر رشقا، دانش نامه میرزا
 ۲۸- مقدسی، احسن التفاسیر فی معرفه الاقالم، ترجمه (Dns) رشقا، نشر دانشگاه تهران و
 مترجمان ایران، تهران ۱۳۵۱، ص ۷۸۲ (Dsm) رشقا، دانش نامه میرزا

۲۹- اگر فاصله را ۶ کیلومتر حساب کنیم طول (Dns) رشقا، دانش نامه میرزا

تموج هنری دین باوری در شعر ابن یمین فریومدی

دکتر یحیی طالبیان

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

چکیده:

این مقاله به بررسی بازتاب باورهای بنیادین دینی ابن یمین در شعرش پرداخته و در باب سیمای پیامبر و امامان در کلام هنری او به بحث می پردازد. شماری از تلمیحات دینی و ملی شاعر را به عنوان نمونه ارائه داده و به مضامین مقتبس شاعر از قرآن و احادیث اشاره کرده است. بدون شک بدون اطلاع از قرآن و حدیث فهم شعر ابن یمین دشوار است زیرا منشأ اصلی تخیل شاعرانه و تعبیرات وی بدین خاستگاه باز می گردد و بر روی هم سیمای شاعری شیعی را به دست می دهد که فرهنگ اسلامی در شعر وی موج می زند.

مقدمه:

هر نظریه ای را در تعریف شعر بپذیریم و هر آن چه را فصل ممیز و جوهر ذاتی شعر بدانیم، حتی اگر شعر را بی نیاز از تعریف بپنداریم در هر حال بدین نکته باید اعتراف کنیم که هر شعری خاستگاهی دارد و آینه معرفت شاعر و جامعه و اندیشه ای است که شاعر در بستر آن زاده شده، نمو کرده، به سرحد بلوغ رسیده و گاه اوج هنری یافته و حاصل آن را در رشته دوهم تنیده ای از الفاظ و معانی برای بشریت به ارمغان آورده است.

خاستگاه شناختی شاعر فریومدی اندیشه اسلامی و گرایش شیعی است که در سراسر اشعار او

جریان دارد.

اصول دینی

رشته‌های اتصال به مبدأ کل در شعر وی موج می‌زند و آن ذات لایزال را به قدرت ، حکمت ، علم ، جود ، لطف ، محبت ، نظم می‌ستاید . بازگشت به سوی آن چشمه زلال بی نهایت را لطف ازلی به شمار می‌آورد^(۲) و با نگاهی عارفانه جهان رنگارنگ را جلوه‌ای از توحید می‌داند که هر دم به رنگی می‌نماید. صدق این دعوی در قصیده‌ای مؤکدتر می‌شود که در پایان عمر می‌سراید.^(۳)

معنی یکیست در نظر عقل دوربین

از راه صورت ارچه که بیحد و متهاست

صدنام اگر بود به ازای حقیقتی

بر اتفاق مذهب فرزندگان رواست

دیوان ص ۲۰

ابن یمن نور مشعشع نبوت را برای هدایت جهانیان الزامی می‌داند و علی(ع) را با چشم پیروی راستین و عاشق در دید خواننده مجسم می‌کند و او را به دریای ژرف و بیکرانه کتاب خدا می‌برد ، غوطه می‌دهد و مروارید برگرفته ، برون می‌آورد. اینها همه معتقداتی است که منشأ فکر و اندیشه و تخیل شاعرانه شده و در نهایت سروده‌ای به بار آورده که اندیشه اسلامی را القا می‌کند . گویی کلام ابن یمن هم به سهم خود مؤید این نظر است که اگر معارف اسلامی را از ادبیات فارسی برگیریم چیزی از آن باقی نمی‌ماند . ابن یمن با اتکا به دین و سرچشمه کتاب الهی و روایات و اخبار منقول از پیامبر و یاران و اهل بیت دنیای مضامین و تعبیرات و صور خیال و اشارات و تلمیحات شاعرانه خود را بنا نهاده و علاوه بر بنای دنیایی از شعر بستری از هدایت گسترده است . البته این دید بیشتر بر محاسن شاعر است و چشم رضا بیشتر به زیباییها نظاره می‌کند .

سیمای محمد (ص)

ابن یسین وجود پیامبر را مظهري از نور حق می داند که هستی به طفیل وجود او پدید آمده و بارها به الفاظ یا مضمون «لو لاک لما خلقت الا فلاک»^(۴) اشاره دارد. در ستایش پیامبر همین بس که بدو مصطفی بگوئیم. این بیت در راجع اسفهار است و در ماکان در صفات ذات پاکش زحمت اطناب نیست. گفته شد اوصاف او یکسر چو گفتی مصطفاست

دیوان ص ۳۸

که بیت یاد آور این بیت سنایی است:

تا به حشر ای دل ارشنا گفتی همه گفتی چو مصطفی گفتی

دل پیامبر چون چراغی است که شمع صفای باطن انسانی باید از تربت او پرتو گیرد. پایه منبر او طارم اخضر را به یاد می آورد.^(۵) پیامبر در نظر ابن یسین تاج بخش انبیاست و اوست که در شب معراج از عرش و کرسی برگذشت. او رحمت عامی است که مهر او کوچک و بزرگ و شریف و وضع را در بر می گیرد.^(۶) عروة الوثقی واژه قرآنی است که بارها در سروده های ابن یسین در مضامین گوناگون آمده است و گاه در نظر او همان شرع احمد است که انسان را از چاه ضلالت می رهاند. در شعر ابن یسین پیروی از شرع احمد بارها سفارش می شود.

پیروی شرع کن اینست کار ابن یسین و آنچه غیر از این کنی از بیش و از کم هیچ نیست عروة الوثقی که دایم باد ایمن زانفصام غیر شرع مصطفی در کل عالم هیچ نیست

دیوان ص ۲۳

همین پیروی باعث آن شده است که از شاعر شخصیتی معتقد به مبانی اخلاقی

بسازد و از عهده سرودن قطعات اخلاقی و متضمن اندرز و نصیحت به زبانی ساده و روان و منسجم برآید.^(۷)

برتری، عظمت و صفات کمال پیامبر بارها به زیان شاعر آمده است. در قصیده‌ای شاعر به اغلب معجزات پیامبر اشاره دارد.^(۸) مهمترین معجزه پیامبر کتاب الهی است که جز او کسی نمی‌تواند آن را نسخ کند^(۹) و دیگر معجزات او به نحوی در شعر شاعر نمودار است. از جمله آنکه عربی سوسماری شکار کرده بود و به خانه می‌رفت، شنید که محمد(ص) دعوی پیامبری کرده است. به پیامبر گفت ایمان نمی‌آورم تا سوسمار با تو سخن گوید. حضرت با سوسمار سخن گفت.^(۱۰)

کرد بر دعویش اظهار شهادت سوسمار

با عزیز و با ذلیل و با عظیم و با حقیر

دیوان ص ۱۰۱

پیامبر سایه نداشت و چون در آفتاب می‌گذاشت، ابر بر سرش سایه می‌گسترده.^(۱۱)

ابن یمن ضمن بیان معجزه بر آن دلیلی شاعرانه اقامه می‌کند:

سایه او کس ندیدی زانکه بودی نور پاک

سایه ظلمانی بود باشد محال از مستنیر

دیوان ص ۱۰۱

چشم سر پیامبر به خواب می‌رفت لیکن چشم سر او بیدار می‌ماند تا با معجزه آتش شرک را خاموش کند که این تعبیر ابن یمن اشاره دارد به «تنام عینای و لا ینام قلبی».^(۱۲)

گوش او در خواب و بیداری و چشم از پیش و پس

مضامین اشاره لفظی و معنوی بود بر سمع و بصر قادر به فرمان قدیر

تا نشانند آتش اشراک عالم سوز را لعلی زان و به دلوه زان و زلس
 از پی اظهار معجز دست او شد آبگیر
 دیوان ص ۱۰۱

پیش از ساخته شدن منبر به سال هشتم هجرت پیامبر به هنگام ایراد خطبه بر
 ستونی چوبی تکیه می زد تا اینکه منبری سه پایه از حبشه برای وی هدیه آوردند. در
 این زمان ستون چوبی از دوری پیامبر ناله می کرد. (۱۳)

یک زمان کز متکا مهر نبوت برگرفت
 چوب خشک مسجد آمد از تأسف در نفیر
 دیوان ص ۱۰۱

محمد چنان جاهی دارد که جبرئیل خادم اوست. (۱۴) انبیا سرنند و محمد بر سر
 آنها افسر است. (۱۵) عظمت او چنان است که نام او در نماز قرین نام خداوند است و
 التجا به نور پاک محمد زدودن گناه را در پی دارد.

دارای دین محمد مرسل که نام او علوم انسانی و مطالعات
 که بهر او کوچک و بزرگ و شرق و غرب را در بر می گیرد. عرذله و توفیق و آرزو
 است که بارها در سروده های این بزرگوار
 یارب به نور پاک محمد که عفو کن
 همان شرح احمد است که انسان را از چاه جهالت می رها کند. در شماره پنجم پیروی از
 ۱۰۱ به ناله
 شرح احمد بارها بنفارش می شود.

زاین یمین که طاعت نکرد و مات
 دیوان ص ۱۰۱

در ردیف معجزات پیامبر آمده است که چاهی در مدینه خشک شد. پیامبر از آب
 دهان خود در چاه انداخت. آب از آن بجوشید، آبی شیرین که شیرین تر از آن در
 مدینه یافت نشد. (۱۶) بعضی گفته اند باقیمانده مَطْهَره را در چاه ریخت و ابن یمین
 بدین اقوال اشاره دارد. (۱۷)

قطره ای چند از مساس پای گردون سای او
 کرد شیرین آب شور و تلخ را در قصر بیر
 و در پایان این قصیده او گوید اگر دریاها مداد شوند و درختها قلم و برگها کاغذ
 شوند و تا به قیامت بنویسند نمی توانند اندکی از نعت پیامبر را به پایان برند^(۱۸) که
 این تعبیر در باب کلمات الله مقتبس از قرآن است.^(۱۹) در پی ابن یمن و در قرون
 بعدی جامی قصیده ای دارد که در آن به اکثر معجزات و نشانه های نبوت پیامبر اشاره
 کرده است.^(۲۰) ابن یمن همچون شاعران شیعی گذشته، کسایی و ناصر خسرو،
 قوامی رازی و ... گرایش شیعی دارد اما با این ویژگی برتر که به صراحت معتقدات
 شیعی خود را اظهار می دارد. اظهار ارادت او به پیشگاه علی (ع) کامل و عاشقانه
 است و علاوه بر آن همگی امامان سلف را در سلسله دوازده گانه آنها یاد می کند، علی
 در مرتبه اعلی، حسن و حسین سیدان بهشتند و سجاد و باقر و صادق و کاظم و رضا
 و تقی و نقی و عسکری را در کنار هم می نشاند و محبت خود را بدانها به کمال
 می رساند.^(۲۱)

بخشش ای دل زین بزرگان چونکه هر یک بوده اند

در دریای فتوت گوهرکان سخا

در طریق دین بهر کس اقتدا فرهنگ نیست

گسرنی باری به معصومان کن ای دل اقتدا

دیوان ص ۸

همدمی با قرآن و احادیث ذهنیت شاعر را آن چنان بارور ساخته که در اغلب

مضامین اشاره لفظی و معنوی به قرآن و حدیث نمایان است. ترسیم سیمای

محمد(ص) بدون شناخت و فهم این سرآغاز زلال ناممکن است.

قرآن مجسم پیامبر است که همچون ریسمانی محکم بدان باید چنگ زد تا رستگار شد و راه شرع مصطفی را باید از علی جست. که مضمون حدیث: «انا مدینه العلم و علی بابها»^(۲۲) درباره وی در بیت زیر از ابن یمین آمده است:

راه شرع مصطفی از مرتضی جو زانکه نیست

شهر علم مصطفی را در به غیر از مرتضی

دیوان ص ۸

در نگاهی گذرا می توان گفت تعبیرات ابن یمین در بیان باورهای دینی گاه متخذ از قرآن است، زمانی به معجزات بازمی گردد، وقتی بعضی از احادیث و اخبار و قول و فعل پیامبر را به یاد می آورد و زمانی مضامینی عام است که از حیات و زیست شاعر در محیط حاکمیت دین در جامعه سرچشمه می گیرد و گاه پیوندی بین عناصر عینی طبیعت و ذهنیت مذهبی برقرار می کند. ابن یمین در توصیف سیمای علی (ع) گاه به قرآن، زمانی به احادیث و روایات و مضامین عام اشاره دارد.

علی (ع) و قرآن

علی در شعر ابن یمین از دیوان ابد فرمان «انما» دارد که این تعبیر اشاره دارد به آیه: «انما ولیکم الله و رسوله والذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة و یؤتون الزکوة و هم راکعون»^(۲۳)

در شأن نزول این آیه گفته اند که اعرابی ای درباره فقر خود خطاب به پیامبر شعری خواند. پیامبر فرمود کیست که به او کمک کند. علی (ع) در حال نماز دست خود را بلند کرد تا اعرابی انگشتی او را بیرون آورد.^(۲۴) مؤانست ابن یمین با قرآن موجب شده در تخیل او آیه قرآن همچون فرمانی جلوه کند که از دیوان الهی صادر شده است.

مرتضی را دان ولی اهل ایمان تا ابد
چون زدیوان ابد دارد مثال انما

دیوان ص ۸

دریا و کوه از دست و دل علی شرمنده بودند . کسی که در این موضوع تردیدی دارد باید آیه « هل أتى » را بخواند که شأن نزول این آیه در باب بیماری حسنین است و عیادت پیامبر از آنها و نذر علی و فاطمه و روزه آنها را به خاطر می آورد و اینکه هر سه شب طعام افطار آنان به درویش و یتیم و اسیر داده شد. (۲۴)

ابن یمن در تصویر این واقعه علاوه بر آنکه الفاظ را به صورت آرایه لفظ و نشر مرتب کرده ، عظمت کوه و دریا را در برابر بخشش علی به سخره گرفته و از قرآن در اثبات سخای علی (ع) بهره برده است . که در این بهره گیری خود علاوه بر آنکه الفاظ قرآن را در کلام درج کرده ، بدین داستان و واقعه معروف تلمیح دارد و بر روی هم از چندین شگرد بدیعی و بلاغی جهت رونق کلامش بهره گرفته است .
در سخا بود از دل و دستش خجل دریا و کوه
این سخن دارد مصدق هر که خواند « هل أتى »

دیوان ص ۸

صفات و فضایل علی (ع)

علی در اعتقاد ابن یمن جانشین بلافصل پیامبر بوده است و اگر نامه نبوت با پیامبر مهر نمی شد ، علی بر همه انبیا برتری داشت و هر قاضی عادل با دیدن علم وجود و فضل و بلاغت و عفت و شجاعت ، امامت علی را اثبات می کند . حتی گردون هم علو مرتبه علی را معترف است . بنابراین راه هدایت اینجاست .

ترک افضل بهر مفضول از فضول نفس دان
 در طریق حق مکن جز نور عصمت پیشوا
 دیوان ص ۱۰

علم علی بر مه آسمان محیط است و کس را یارای نوای «سلونی قبل ان تفقدونی» (۲۶)
 و اگر همه پرده ها برافتد، ذره ای به یقین او افزوده نمی شود: (۲۷)
 و هموست که پیامبر، وی را بحق جانشین خود قرار داده است.
 غیر او کس را نزیید از سلونی دم زدن
 زانکه او داناست مافوق السموات العلا
 خلقت با زیب و زین «انت منی» کس نیافت
 از بنی الاعلی کو داشت فرّانیا
 دیوان ص ۸

که اشاره به خبر «انت منی بمنزله هارون من موسی الا انه لانی بعدی» (۲۸) دارد.
 ولای چنین بزرگی در باور ابن یمین ضروری است و دل هر کس که از مهر او خالی
 باشد، سزاوار عقوبت الهی می گردد.
 امروز هر دلی که تهی باشد از ولاش **حلی مع علوم انسانی**
 روز جزا زنا سقر ممتلی بود
 دیوان ص ۴۴

علی را به القاب و برتریهایی منسوب کرده اند. ابن شهر آشوب به ترتیب حروف
 القبایی چند صد لقب برای وی برشمرده است. (۲۹)
 معروفترین آنها اسدا...، حیدرکرار، یعسوب الدین، مرتضی، بوالحسن، بوتراب
 است. ابن یمین قصیده ای در فضایل مولا علی (ع) دارد که مردّف به ردیف حیدر
 است و در آن دیوانه وار شیفتگی خود را می نمایاند و دوستی علی را همچون پیامبر،
 ریسمانی محکم می داند که چنگ زدن بدان هرگونه لغزشی را مانع می شود. وی در

این قصیده مقام شامخ علی را تا بدانجا می رساند که برجسته ترین موجودات عالم را انعکاسی از نور وجود او می داند و در سبب لقب اسدا... گوید: (۳۰)

کان هم یکی ز جمله اسمای حیدرست

دیوان ص ۲۲

و در قصیده غزای دیگر مردف به ردیف «علی» بیشترین صفات علی را در بیانی زیبا به رشته شعر می کشد. با اینهمه شرط میانه روی را از دست نداده و به شیوه غلاة سخن نمی گوید. او در این قصیده با وله تمام می گوید که علی داماد و عم پیامبر است و این مباحثاتی بزرگ در برابر کسانی است که تنها حسب و نسب را معیار ارزش می شمارند لیکن علی چنین نیست معیارها در نزد او چیزهای دیگری است. او قنبر غلام سیاه خود را نیز گرامی می داد. به نظر شاعر با سقایت علی در کوثر از تشنگی قیامت باکی نیست. ای دل ز تشنگی قیامت مترس

ساقی حوض کوثر دارالبقا علیست

دیوان ص ۴۰

از دیگر فضایل علی که در شعر ابن یمین منعکس شده معجزه «رد شمس» است که پیامبر خورشید را برای حضرت علی بازگرداند تا علی نماز به جای آرد. (۳۲) بازتاب حدیث در شعر ابن یمین چنین است:

آنکه از مغرب به مشرق کرد رجعت آفتاب

تا نماز با نیاز او نیفتد در قضا

دیوان ص ۱۰

کندن در خبیر در قدرت علی و بیان معجزات وی بیان نمونه ای است. جز با قدرت علی ممکن نبود با اژدها درافتادن و این همه به عنایت پروردگار در سرپنجه قدرت

علی (ع) دیده می شد (۳۳)
جز به قوت‌های روحانی کجا ممکن شدی
در زخیر کردن و برهم دریدن ازدها

دیوان ص ۸

امام رضا (ع)

ابن یمین پس از اعتقاد وافر و قلبی به علی (ع) به ائمه و بویژه به امام رضا (ع) عشق می ورزد که این خود نماینده اتمام و اکمال پیروی او از اهل بیت است. او زیباترین توصیفها را از امام رضا دارد. در قصیده‌ای هشتمین ستاره امامت را می ستاید و مرقد او را چون خورشید در آسمان می انگارد. روی و موی امام رضا را همچون پیامبر به لیل و ضحی مانند می کند که تعبیر، مقتبس از سوره شریفه ضحی و به تعبیری دیگر ظلمت و نور جهان پرتوی از موی و روی اوست (۳۴)

ظلمت و نور جهان عکسی از موی و روی اوست
موی او واللیل اذایغشی و رویش والضحاست

دیوان ص ۳۷

او بارگاه حضرت رضا را در تشبیهی هنری، از بهشت و حور و مقام کبریا و خورشید درخشان برتر شمرده است. همچنین در تداوم محبت به ائمه، طاعتی به وزن کوه را بی ولای امام رضا بر باد رفته می داند (۳۵) و با آرایه ای بدیعی و بازی با الفاظ در محبت ائمه به الهام از قرآن گوید:

هر که مهرش در میان جان ندارد چون الف

قامتش روز جزا از غم چو جیم و نون دوتاست

دیوان ص ۳۸

پشتوانه فکری و اعتقادی و بیان جاذب هنری ابن یمین در سرودن اینگونه اشعار

در جامعه ای که شیعه در اقلیت بوده محرک قوی برای نهضت‌های شیعی و از جمله سربداران بوده است که بنا به ذکر خود شاعر با آنان همفکر بوده و حتی گاه در سفرها و جنگها با آنان همراهی داشته است. ^(۳۶) بیشتر ممدوحان ابن یمین همگی سران سربداری بوده اند که به صورت اغراق آمیز مدح شده اند و این عمل را باید بر حمایت معنوی از سربداران حمل کرد که در نهایت در تحکیم مبانی تفکر شیعه مفید افتاد. هر چند که همگی آنها سزاوار چنین ستایشهایی نباشند. از سوی دیگر تکیه بر شخصیت حضرت علی و بیان فضایل او و اولاد وی در شعر ابن یمین می تواند نوید بخش گرایشهای بعدی به شیعه باشد ^(۳۷) بویژه که در احوال او گفته اند و از اشعار او برمی آید ^(۳۸) که وی فردی گوشه گیر و قناعت پیشه بوده و مدح را در خدمت کسب تجملات زندگی قرار نداده است.

بتابی رخ ای دل زمال و منال

گر آگاه گردی ز حال مآل

کسی را که بیش از کفاف آرزوست

خرد پایمالست در پای مال

زبهر نهادن اگر عاقلی

چه یاقوت و لعل و چه سنگ و سفال

دیوان ص ۴۵۴

و با همین منش و روش است که خاستگاه عمده تعبیرات شاعرانه ابن یمین برگرفته از قرآن و حدیث می باشد و مدح او هم با تعبیر مذهبی رخ می نماید.

واژه های قرآنی چون طوبی و خلد و جنت و کوثر و من و سلوی، کعبه و حرم و الست سدره المنتهی، صلوة، تولی و تبری، بوفور در شعر ابن یمین دیده می شود.

اقتباس از قرآن گاه به صورت درج کلمات است و گاه مضامین قرآنی را جامعه شعر

پارسی پوشانده و زمانی تلمیح به آیات و حکایات قرآنی است.

اقتباس با کاربرد کلمات قرآنی

آن حی لاینام که ذات وی از ازل

دارد فراغ تا ابد از نوم و از سباب

دیوان ص ۲۲

که اشاره به آیه « لا تأخذه سنة و لا نوم »^(۳۹) دارد و یا

عروة الوثقی که دایم بد ایمن زانقصام

غیر شرع مصطفی در کل عالم هیچ نیست

دیوان ص ۲۳ و ص ۱۰۱

کلمات «هل أتى» بارها در کلام ابن یمن بویژه در توصیف علی (ع) آمده است^(۴۰)

و «کوکب دری» مشبه بهی است که در توصیف امام رضا به کار گرفته شده و از

ترکیبات قرآنی است که در آیه مبارکه نور آمده است: «کانها کوکب درّی»^(۴۱) و اشاره

به آیه «وان یکاد الذین کفروا...»^(۴۲) در بیت ذیل:

با عقل گفتم ار چه شود دال قافیه

می خوان و می دم از سر اخلاص «ان یکاد»

ابن یمن به آیات ذیل و آیات دیگری اشاره لفظی کرده است:

حتی توارت بالحجاب در ص ۱۸ و ۲۰، دیوان لا تفنطوا من رحمة الله در ص ۱۱۰،

سحقاً لأصحاب السعیر در ص ۱۰، لامساس در ص ۱۷۱، توبوا لی... در ص ۴۵،

بانگاه به آیه «ثم دنی فتدلی فکان قاب قوسین او ادنی» بیت ذیل را چنین سروده است:

وآنکه رغم دشمنان را ساخت از سیمین سپر

یک دو قوس اندر خور سدره به انگشت چو تیر

دیوان ص ۱۰۱

تلمیحات قرآنی

در شعر ابن یمین به کلیت و یا گوشه ای از داستانهای پیامبران اشاراتی رفته است از آن جمله: موسی، موسی کف، تیه حیرت، ید بیضا، سامری و موسی، آیت موسایی، من و سلوی و طور عزت بارها در کلام ابن یمین وارد شده است. ترکیباتی چون دم عیسی، عیسی صفت، مسیح مریم، یوسف مصری، مصر عزت، یعقوب و یوسف، خلیل و آذر، آصف ایام، آصف ثانی، یاجوج فتنه، خاتم سلیمانی، سلیمان، آدم و حوا، خضر، خضر تدبیر، قارون، بارها تعبیرات ابن یمین را غنای فرهنگ اسلامی داده‌اند. (۴۳)

نیزه در کف چون کند آهنگ قلب دشمنان

در ید بیضا نماید پیکر ثعبان مرا

دیوان ص ۱۲

بیت ذیل یادآور مرده زنده کردن عیسی (ع) است که در آیه: «تبری الاکمه و الابرص باذنی و اذتخرج الموتی باذنی»^(۴۵) بدین موضوع اشارت دارد:

نادر افتد متفق تدبیر با تقدیر حق

چون اجل آمد دم عیسی مریم هیچ نیست

دیوان ص ۲۳

ابن یمین در عین غوطه خوردن در دریای تلمیحات قرآنی از تلمیحات ملی هم غافل نبوده است. جمشید و جم و جام، حاتم طایی و رستم، فریدون و جم، حاتم و نوشیروان، اسکندر، سیمرغ و عنقای مغرب، رستم و هفت خوان اسفندیار و قارن و کسری از کلماتی است که یادآور داستانهای پیرامون آنهاست. (۴۴)

نامد الحق این چنین فیروز کامد شهریار
رستم از مازندران وز هفت خوان اسفندیار

دیوان ص ۱۰۵

اقتباس از احادیث قرآنی

ابن یمن در اقتباس از احادیث گاه مضمون حدیث را در کلام خود حل می‌کند و اغلب بعضی از کلمات احادیث را در کلام خود وارد می‌کند. در اشاره به حدیث «من عرف نفسه فقد عرف ربه» گوید: (۴۶)

ای دل گرت شناختن راه حق هواست
خود را بدان که عارف خود عارف خداست
دیوان ص ۲۰

و در توصیف سیما و فضایل امام رضا (ع) به حدیث کسا اشاره دارد و آن وجود را مایه مباهات آل عبا می‌داند: کلام
قره العین نبی فرزند دلبنده وصی

مظهر الطاف ایزد فخر اصحاب عباس است
دیوان ص ۳۷

و همچنین کاربرد حدیث «أنا مدينة العلم و علی بابها» به صورت حل مضمون، به تکرار در شعر شاعر دیده شده است. ابن یمن در اشعار خود از احادیث در مضمون سازی اقتباس می‌کند و الفاظی از روایات را در کلام درج می‌کند. در اشاره به حدیث «من كنت مولا فلهذا علی مولا» (۴۷) گوید:

وارث شاهی که از تشریف خاص مصطفی
کسوت «من كنت مولا» به قد اوست راست
دیوان ص ۳۷

تشبیه حدیث «من كنت مولا» به لباسی که بر قامت علی (ع) راست می‌آید به همراه تعبیر «وارث شاهی» برتری علی را بر دیگر یاران پیامبر تأیید می‌کند و نشان دادن این تشبیه در بیتی که همه الفاظ آن گزیده و متناظرند نماینده اوج زیبایی خیال شاعرانه است.

و یا در اشاره به فرمایش علی (ع) « لو کشف الغطا ما ازددت یقیناً » گوید :

حجت اثبات علمش « لو کشف » باشد تمام

از فتوت خود چه گویم قائل آن « هل أتا » ست

دیوان ص ۳۹

و در کثرت علم علی (ع) با اقتباس از حدیث « سلونی قبل ان تفقدونی » لفظ

« سلونی » را در کلام می آورد :

کثرت علم ولی از لفظ « سلونی » دانید

زور بازوش قیاس از در خیر گیرید

دیوان ص ۴۵

موارد بسیاری از این قبیل در شعر ابن یمن به چشم می خورد که نشان از اطلاع و

همدلی با روایات و احادیث و قرآن و فرهنگ دینی و ملی است و این خود به خلق

معانی بلند شاعر یاری رسانده است .

نتیجه :

باید گفت ابن یمن شاعری شیعی است که به اصول معتقدات اسلامی پایبند بوده

سیمایی هنری مبتنی بر قرآن و حدیث از پیامبر و امام علی (ع) و دیگر امامان در

مضامین شاعرانه خود عرضه کرده و بدون اطلاع از قرآن و حدیث و واژگان

دینی رسیدن به معانی شعر شاعر دشوار است .

تلمیحات او بیشتر از قرآن و حدیث و داستانهای قرآنی مایه گرفته است و در

همان حال شعر او از تلمیحات ملی نیز خالی نیست و اینها همه مایه های اصلی شعر

شاعرند و غنای تعبیرات او بدین مایه ها وابسته است و بی شک در تحکیم بنای شیعه

در دوره حیات شاعر مؤثر بوده است و به نظر می رسد که در تعمیق بنای تشیع در

دوره های بعد کارگر افتاده باشد .

منابع و یادداشتهای

- ۱- زرین کوب، حمید، مجموعه مقالات به کوشش عبدالحسین زرین کوب، انتشارات علمی، چاپ اول، ۱۳۶۷، تهران، ص ۱۸۴
- ۲- ابن یمن، دیوان اشعار، به کوشش حسینعلی باستان راد، انتشارات سنایی، چاپ دوم، ۱۳۶۳، تهران، ص ۷ و ۲۴
- ۳- دیوان اشعار، ص ۲۲
- ۴- همان ص ۴۵
- ۵- همان ص ۴۵
- ۶- همان ص ۱۰۱
- ۷- صفا، ذبیح الله، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۳/۲، انتشارات فردوس، چاپ سوم، تهران، ۱۳۶۳، ص ۹۵۶
- ۸ و ۹- دیوان ص ۱۱۰
- ۱۰- شمسایا، سیروس، فرهنگ تلمیحات انتشارات فردوس چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۶، ص ۵۲۲
- ۱۱- همان ۵۲۹
- ۱۲- الجامع الصغیر، ج ۱، جلال الدین سیوطی، انتشارات دارالفکر، بیروت، بی تا، ص ۵۱۷ و نیز رک فروزانفر، بدیع الزمان، احادیث مثنوی، انتشارات امیر کبیر، چاپ سوم، تهران، ۱۳۶۱، ص ۷۰
- ۱۳- منبع شماره ۱۰، ص ۵۲۲
- ۱۴ و ۱۵- دیوان ص ۲۳
- ۱۶- عطار، منطق الطیر، به اهتمام صادق گوهرین، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۶۵، ص ۲۸۲ به نقل از نثر الجواهر، ص ۲۴۷
- ۱۷- منبع شماره ۱۰، ص ۵۲۴، به نقل از قصص قرآن کریم، ص ۱۱۹
- ۱۸- دیوان ص ۱۱۰
- ۱۹- قرآن کریم سوره ۳۱ آیه ۲۷
- ۲۰- منبع شماره ۱۰، ص ۵۲۰

- ۲۱- دیوان ص ۸
- ۲۲- الجامع الصغیر، سیوطی ج ۱، ص ۴۱۵
- ۲۳- قرآن کریم سوره ۵ آیه ۵۵
- ۲۴- منبع شماره ۱۰، ص ۴۰۸
- ۲۵- طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی ج ۱، ص ۲۱۱
- ۲۶- و نیز ر.ک دیوان ص ۱۱، ۳۹، ۴۰ برای اطلاع از مأخذ حدیث ر.ک. صادق گوهرین، منطق الطیر، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم، ۱۳۶۵، ص ۲۹۱ به نقل از ینابیع الموده، ص ۷۴
- ۲۷- اشاره به حدیث «لو كشف القطا ما ازددت یقیناً» دیوان، ص ۳۸
- ۲۸ و ۲۹- ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، مطبعه علمیه قم، ج ۲، صص ۲۷۸-۲۹۰ و ج ۳، ص ۱۶
- ۳۰- دیوان ص ۴۴
- ۳۱- همان ص ۴۰
- ۳۲- منبع شماره ۱۲ ص ۱۷۲-۱۷۳
- ۳۳- منبع شماره ۲۷ ص ۳۰۴ و نیز دیوان صص ۴۰، ۴۵، ۸
- ۳۴ و ۳۵- و ص ۳۷
- ۳۶- دیوان ابن یمن، مقدمه شاعر بر دیوان ص ۴
- ۳۷- منبع شماره ۷ ص ۹۵۶
- ۳۸- دیوان ص ۴۵۴
- ۳۹- قرآن کریم، سوره ۲، آیه ۲۵۵
- ۴۰- دیوان صص ۳۹، ۸
- ۴۱- قرآن کریم، سوره ۲۴، آیه ۳۵
- ۴۲- قرآن کریم، سوره ۶۸، آیه ۵۱
- ۴۳- به ترتیب در این موضوع ر.ک به: حسین منظور تهیه شده بود استفاده گردد بدین ترتیب
- دیوان صص ۲۵، ۲۸، ۳۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۲۶، ۸۴، ۲۸، ۵۲، ۶۳، ۲۹، ۴۵، ۸۵، ۱۰۹، ۱۰۵، ۶۲

۴۴- به ترتیب در این موضوع رک به: و یادداشتها ۸ شماره نایب- ۱۲

صص ۹۶، ۵۵، ۱۱، ۱۲، ۶۴، ۶۶، ۱۲، ۱۷۱، ۴۵، ۱۸۵، ۴۰، ۲۵، ۶۳، ۶۴، ۱۸۵، ۵۴، ۵۵، ۵۴، ۵۴، ۲۵، ۱۱، ۶۳-۵۶، ۳۰، ۴۴، ۱۱، ۳۰، ۶۴-۶۳، ۱۶، ۲۲، ۹۱، ۵۴، ۱۶۱، ۱۶۳، ۲۵، ۱۱، ۵۴، ۶۲

۸۰۶ شماره نایب- ۲۲

۴۵- قرآن کریم ، سوره ۵، آیه ۱۱۰

۴۶- منبع شماره ۱۲ / ب ، ص ۱۶۷ ، به نقل از شرح نهج البلاغه ، ج ۴ ، ص ۵۴۷

۴۷- منبع شماره ۲۲ ، ص ۶۴۲

۲۷ شماره نایب- ۳۵

۸۷ شماره نایب- ۷۲

۸۷۲-۸۷۲ شماره نایب- ۱۰۱

۹۱ شماره نایب- ۹۵۶

۲۲ شماره نایب- ۱۱۰

۲ شماره نایب- ۵۲۹

۲۷ شماره نایب- ۷۲

۷۲ شماره نایب- ۵۱۷

۲۲ شماره نایب- ۱۳۶۱

۹۵۱ شماره نایب- ۷۰

۷۲ شماره نایب- ۱۰

۲۰۲ شماره نایب- ۲۳

۵۵۲ شماره نایب- ۱۶

۵۲ شماره نایب- ۱۷

۱۵ شماره نایب- ۱۸

۵۲ شماره نایب- ۱۹

۵۲ شماره نایب- ۲۰



شهره شمسکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
برقآل جامع علوم انسانی